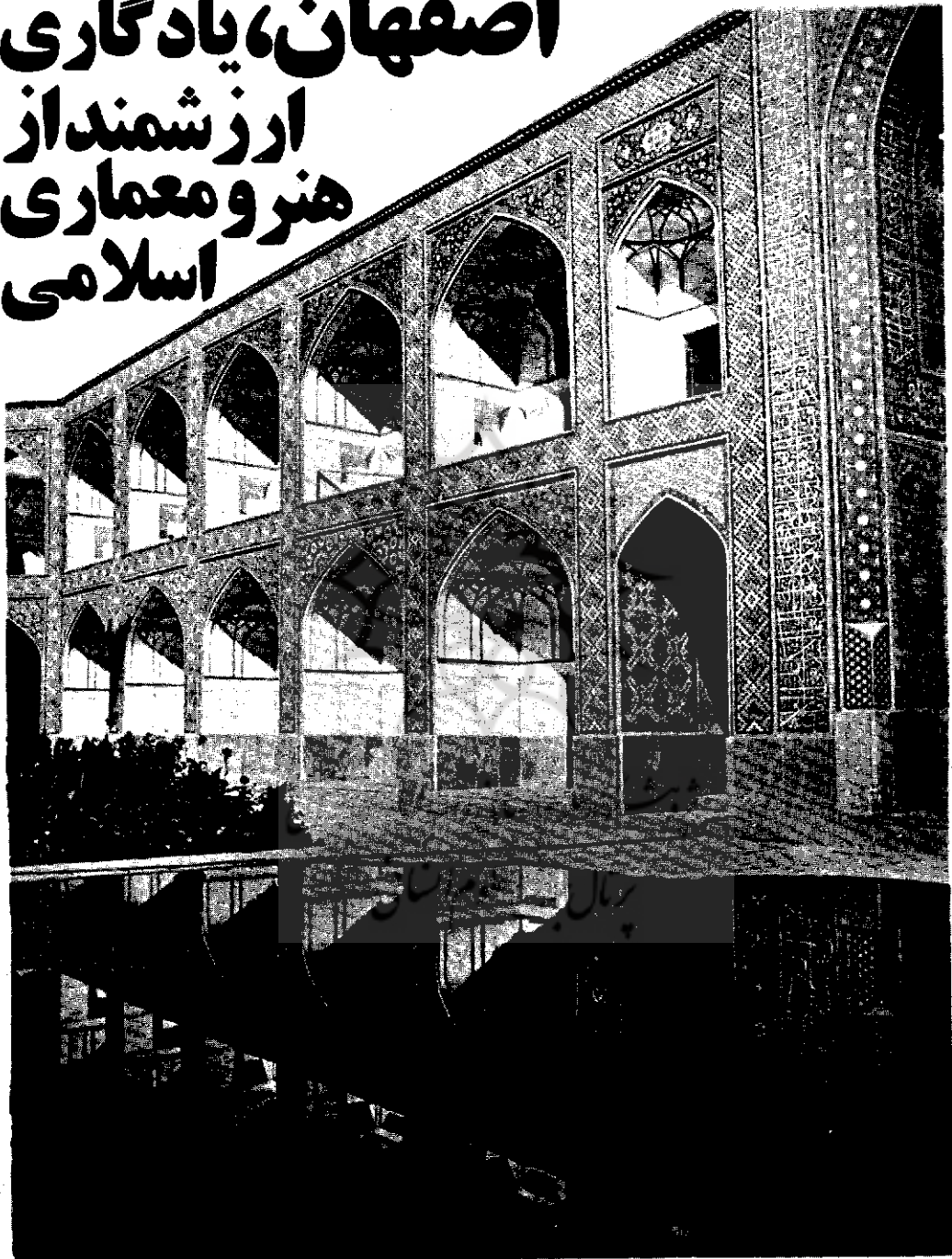


گفتگوئی با دکتر جبل عاملی مسئول
دفتر فنی حفاظت آثار باستانی اصفهان

اصفهان، یادگاری

ارزشمند از
هنر و معماری
اسلامی

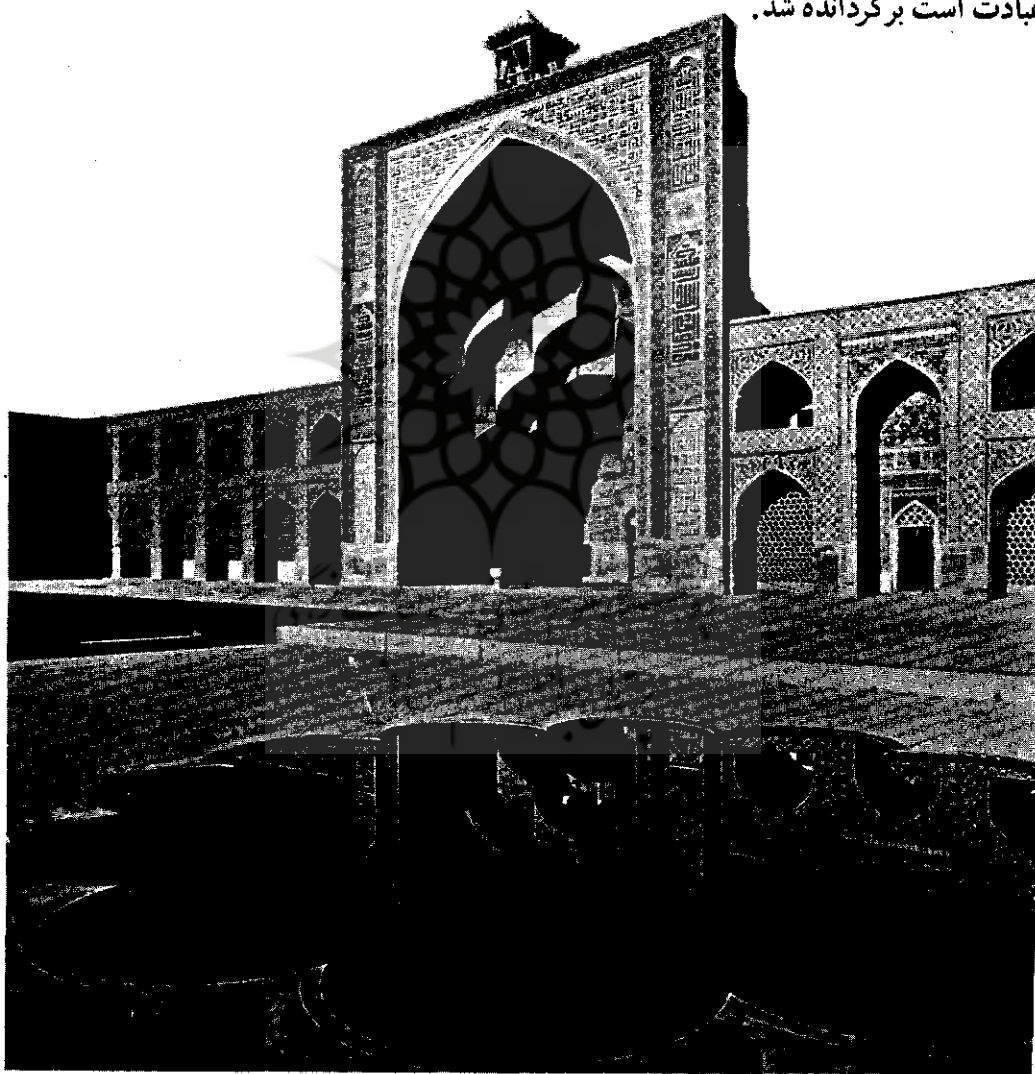


استاد کاران باتجربه و ماهر مرمت بناهای تاریخی اغلب بیکار مانده‌اند.

●
برای مرمت و حفاظت بنای تاریخی تنها داشتن تخصص و دانستن تئوری کافی نیست. ما به کار استادکار طاق‌زنی نیازمندیم که شگرد هنرمندان و معماران گذشته را درک کرده باشد.

وجود دو سازمان با یک مسئولیت، یک هدف، یک خط‌مشی در حفاظت و مرمت آثار باستانی در دو وزارتخانه باعث ایجاد مشکلاتی در کار نگاهداشت بناهای تاریخی شده است.

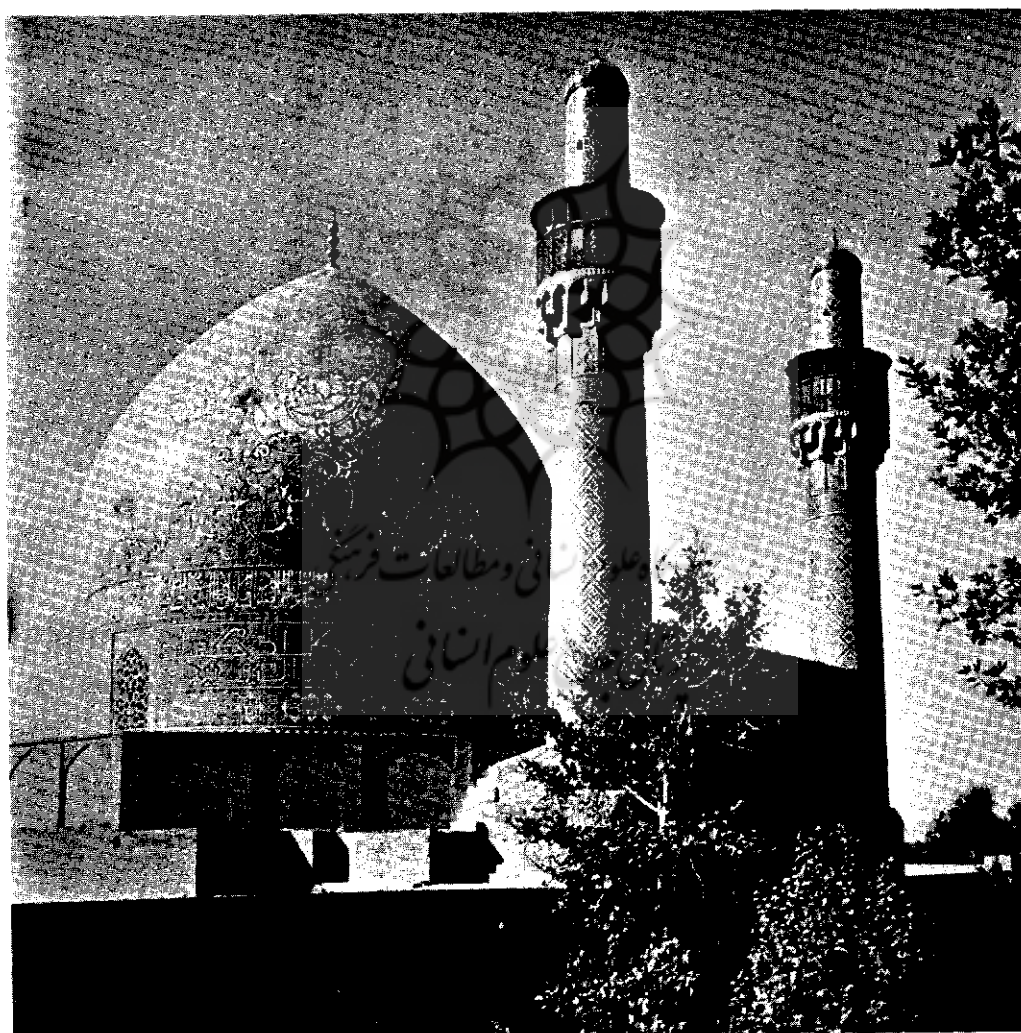
●
مسجد جامع اصفهان بعد از سالها به عمل کرد اصلی‌اش که همانا برگزاری نماز و عبادت است برگردانده شد.



در دفتر فنی حفاظت آثار باستانی اصفهان به عنوان کارشناس بناهای تاریخی مسئولیت مرمت میدان نقش جهان و بناهای اطراف میدان به وی سپرده شد، که در این رابطه دست به تحقیقات و اقدامات مثمر به ثمری زد و بعد از پیروزی انقلاب مسئولیت دفتر فنی حفاظت آثار باستانی را عهده دار شد.

- دکتر عبدالله جبل عاملی در ردیف معدود کارشناسان سازمان حفاظت آثار باستانی ایران

دکتر عبدالله جبل عاملی در سال ۱۳۱۹ در خانواده‌ای مذهبی در شهر اصفهان متولد شد، بعد از طی دوران تحصیلات ابتدائی و متوسطه در همین شهر در سال ۱۳۴۰ برای ادامه تحصیلات به ایتالیا رفت و در دانشگاه رم به ادامه تحصیل در رشته معماری پرداخت و در سال ۱۳۵۰ با اخذ دکترای معماری از این دانشگاه به ایران بازگشت و به استخدام وزارت فرهنگ و هنر سابق درآمد. یکسال بعد



است که با توجه به آگاهی و دانش و بصیرت کامل، سهمی فراخور توجه در حفظ و حراست و تحقیق درباره بناهای تاریخی اصفهان، زادگاهش را از آن خود ساخته است. گفتگوی زیر حاصل نشست است که فصل نامه هنر در زمینه شناخت ارزش های فرهنگی و هنری شهر کهن اصفهان با وی انجام داده است:

○ ابتدا سخن را از شناخت شهر تاریخی و کهن اصفهان آغاز کنیم، اصفهان و پیشینه تاریخی و هنری فرهنگی اش، اصفهان که تنها یک شهر قدیمی نیست، سندی گویا و با ارزش از تاریخ تحولات هنر و فرهنگ در سرزمین ماست، اصفهان که دیدارش مثل یک کتاب خواندنی با ارزش و مفید است، از ورای تک تک بناهای تاریخی اش، در نقش کاشی هایش و در بافت کهن و قدیمی اش.

بر در و دیوار بناهای کهن شهر چه یادگارها که نمائنده است و چه ارزش هائی که هر انسان هنر دوست را شیفته نمی سازد، این اصفهان حکایتی دراز دارد، خاطراتی به قدمت و کهنگی عمر طولانی و پربارش.

● اصفهان به عنوان یک شهر در تاریخ شهرسازی، شهری اسلامی است، و به عبارتی دیگر شاخص تولد شهری بعد از ظهور دین مبین اسلام در ایران است، چه بنا به شواهد و اسناد تاریخی اصفهان کهن را مجموعه ای از روستاهای کوچک و بزرگ تشکیل می داد که بدلیل آب پربرکت زاینده رود و زمین های

حاصلخیز اطراف رود، بویژه در مرکز اصفهان مردمان روستائی به کار کشت و زرع مشغول بودند، که در این رابطه باید از دوروستای بزرگ یعنی «جی» و «یهودیه» نام برد که بکرات در کتب تاریخی و قدیمی در رابطه با اصفهان از آنها ذکر نامی گردیده است.

دهه سوم هجری این منطقه بدست لشکریان اسلام فتح می شود. اعتدال آب و هوا و موقعیت خاص جغرافیائی سبب می شود که اصفهان در واقع به عنوان شهری بعد از اسلام بر پا گردد و توسعه یابد.

مراکز عمده یکی پس از دیگری بیکدیگر متصل می شوند، به مرور شهر گسترش می یابد، شهری که دارای مسجد جامع است، مسجدی بیادگار مانده از قرن دوم هجری، با میدانی کهن در اطراف آن، مسجد را مسلمین با عملکرد تازه ای در قرن سوم هجری بر پا می سازند.

یک قرن بعد، آل بویه در اصفهان مستقر می شوند. قرن چهارم هجری اصفهان مرکزی عمده در استقرار یک حکومت مسلمان شیعه ایرانی می شود، از این زمان بعد شناسنامه و هویت معماری و هنری اصفهان آشکار می گردد. تولد نخستین رگه های زیبایی و هنر در بناهای عمومی شهر که خوشبختانه مدارکی از آنها هنوز بیادگار مانده و از جمله در مسجد جامع که این زمان دخل و تصرفاتی در آن انجام می گیرد. مسجد دارای ظاهری زیبا و موزون می شود، اشکال هندسی هنرمندانه در آجرکاری دیوارها و جرزهای بیادگار مانده از این قرن در مسجد جامع گواه عادلانه بر این ادعاست.

هنرمندان و معماران شهر سوای مسجد جامع ذوق و ابتکار و خلاقیت هنریشان را در مسجدی دیگر تحت نام «جورجیر» بکار می‌برند، مسجدی که امروز تنها سردر زیبایش بجای مانده و جای آن مسجد حکیم بر پا گردیده است. در این مسجد هم کاربرد سراسرزیبائی و لطف هنرآجرکاری را می‌بینیم و ظرافت و ذوق و سلیقه را مشاهده می‌کنیم.

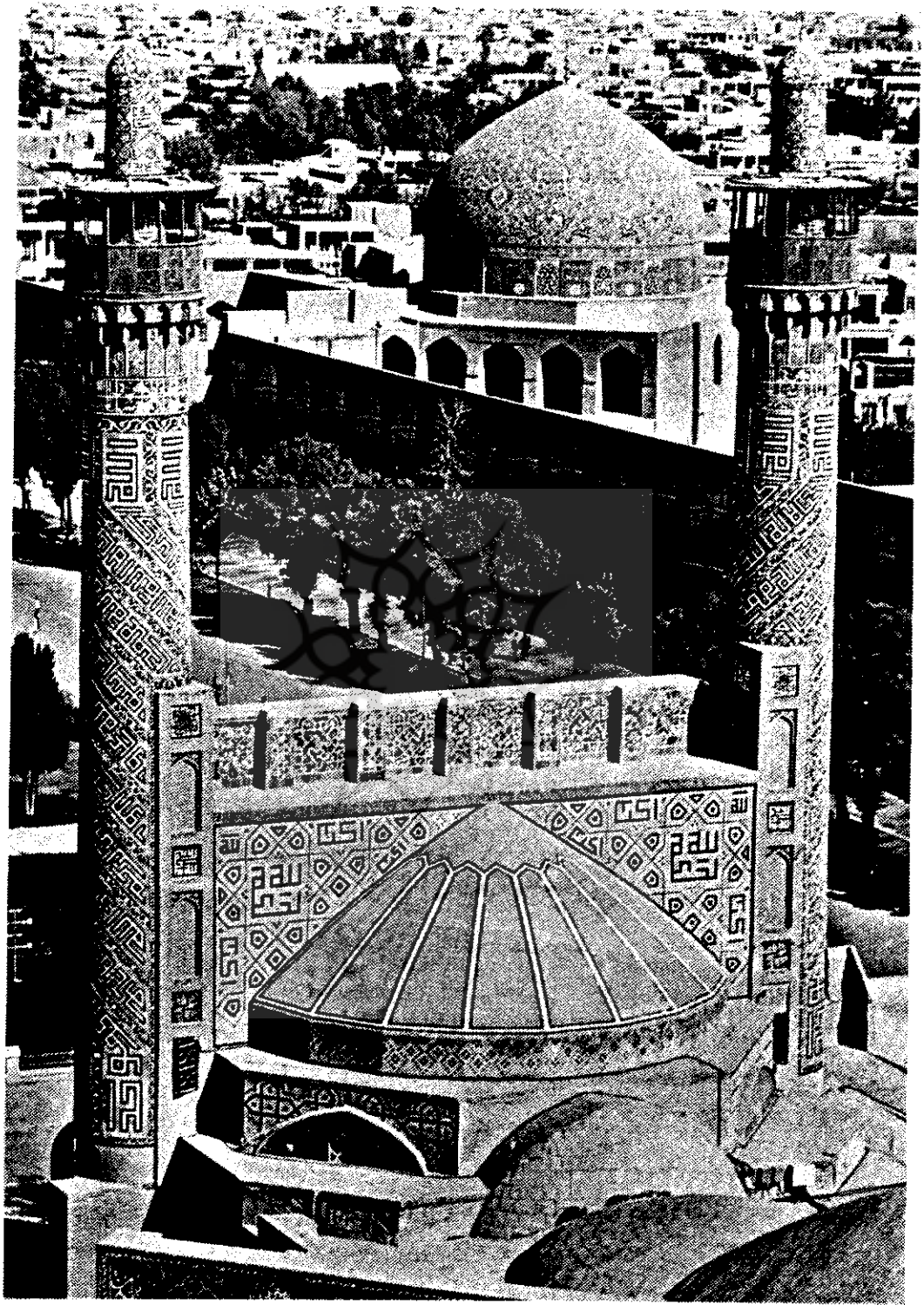
اصفهان مرکز آل بویه است، بناهای متعدد در گوشه و کنار بر پا شده است، میدان قدیم به عنوان مرکز شهر مطرح می‌شود، بناهای مذهبی و تجاری و عمومی اطراف میدان تکمیل می‌گردد.

هم در اواخر این دوران بدلیل آنکه اصفهان شهری آبادان شده است، دور تا دور شهر حصار کشیده می‌شود، چیزی مثل محصور شدن و به عبارت دیگر تشبیت یک شهر. یک قرن بعد، یعنی قرن پنجم هجری ترکان سلجوقی شهر اصفهان را تسخیر می‌کنند، آنان دیگر با یک یا چند روستای کوچک و بزرگ روبرو نیستند، بلکه شهری را به تصرف خود درآورده‌اند که بنا به روایت ناصرخسرو، شهری عمده در رابطه با زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بوده است، شهری که پذیرای ابن سینا است، با مدرسه معروفی که داشته و هم اینک در محله دردمشت جایی به آن مرد بزرگ منسوب است.

پس هنگامی که طغرل سلجوقی به شهر اصفهان حمله می‌کند، اصفهان یک شهر کامل بوده است، با بافت منظم یک شهر، با اقتصادی محکم و پا برجاء، پس جای شگفتی نیست که ناصرخسرو اصفهان را زیباترین و پررونق‌ترین

شهر در ملوک عجم می‌شمارد و از سراها و کاروانسراهایش سخن به میان می‌آورد.

در دوران سلجوقی بدلیل آنکه ترکان سلجوقی سرزمین پهناوری را زیر سلطه خود می‌گیرند، از رود سند تا دریای مدیترانه امکانات یک جنبش فرهنگی و هنری مهیا می‌شود، خواجه نظام‌الملک مدارس علمی معتبری را بر پا می‌کند و اصفهان در این زمان شهری موردنظر است، چه از نقطه نظر سیاسی و چه فرهنگی و هنری، شهری که از مراکز عمده حکومت سلجوقیان است، پس می‌تواند جلوه‌ای از تحولات فرهنگی و هنری زمان خود بحساب آید، هم بدین دلیل است که نشانه‌های پررونق شکوفائی هنر زمان را می‌توان در مسجد جامع شناسائی کرد، ایجاد گنبد خواجه نظام‌الملک و احداث مسجد تاج‌الملک یک تحول مسلم در معماری و هنر این دوران است، ابعاد وسیع گنبدها، تناسبات و زیبائی نقوش، آجرکاری چشمگیر و طرحهای بدیع هندسی. اما تحول تنها در اشکال تزئینی و هندسی محدود نمی‌شود، مهم‌ترین ابتکار تغییر و تحول پلان مربع به هشت ضلعی و شش ضلعی و دایره است. اینجاست که در اصطلاح، سبک معماری سلجوقی متولد می‌شود، اما بی‌پرده و آشکار باید گفت این اصطلاح غلط است، زیرا سلجوقیان تنها حکومت رانند و نه هنر آموختند، آنان هرگز سهمی در ایجاد سبک معماری یا هنری در ایران یا اصفهان مسلمان ندارند، این سهم بزرگ و غیر قابل اجتناب فرهنگ اسلامی است که به اصفهان شخصیت هنری مستقلی می‌بخشد و نه گروهی



اسب سوار که بر ایران تاختند.

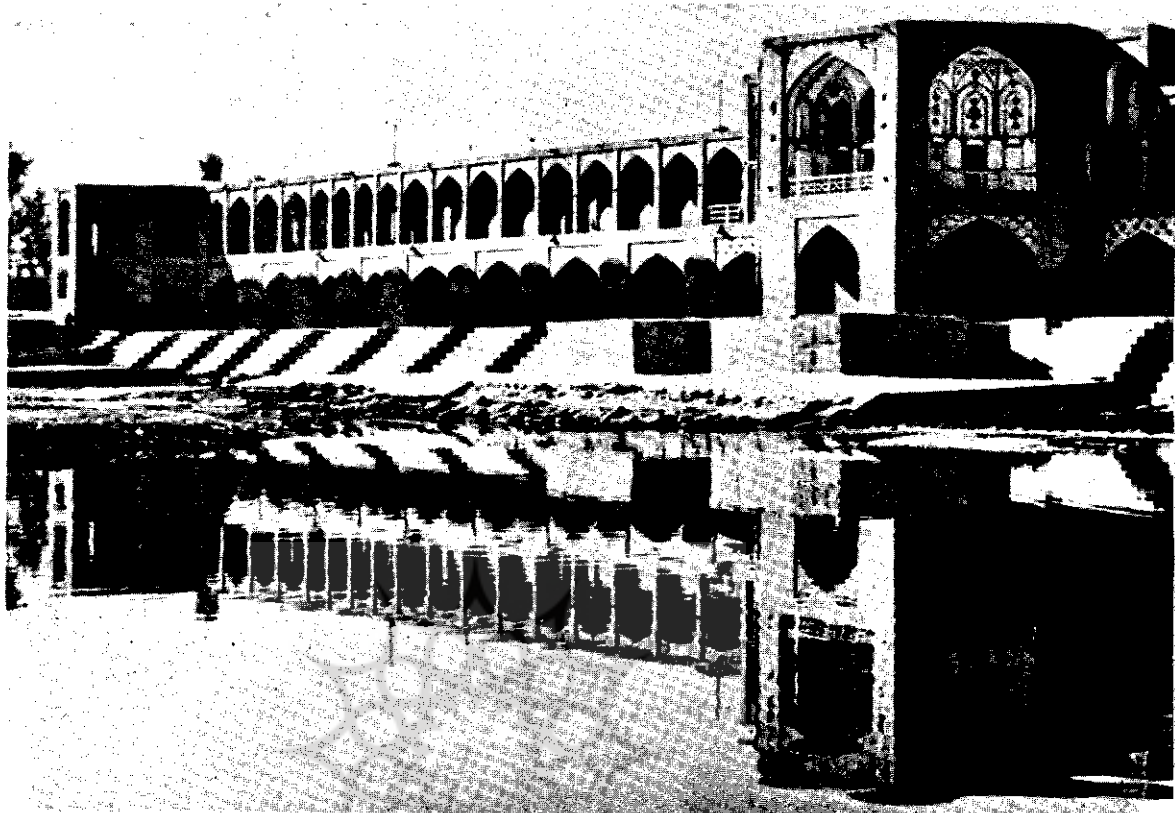
اصفهان این زمان صاحب مراکز علمی معتبری می شود، در مقام رقابت با مراکز علمی بغداد، شهر هویت فرهنگی دارد، اصفهان با چنین بار و معنایی در هنر و فرهنگ موقعیت خود را مستحکم می کند.

حمله مغول بیکیاره کمر اصفهان را می شکند، شهر به ویرانی کشیده می شود و مردم قتل عام می شوند. شاعر اصفهانی کمال الدین اسماعیل به توصیف این حمله خانمانسوز پرداخته، او که سرانجام در محل «جویاره» به دست مغول ها از پای درمی آید. زمانی چند نمی گذرد که اصفهان دوباره قامت راست می کند، در دوران ایلخانان، دگر بار هنر اسلامی ایران شکوفا می شود، آنهم به مدد ذوق و دستهای توانمند هنرمندان ایرانی. ذوق ها بکار می افتد، نشانه های این تحول دگر بار، هنوز باقی است:

در مسجد جامع، در مناره های بیادگار مانده از این دوران. و بعد عصر مظفری آغاز می شود، حکومت ملوک الطوائفی آل مظفر در اصفهان و شیراز. اصفهان در این زمان هم رو به رشد است، مسجد جامع اصفهان به طرف شرق گسترش می یابد، مدت زمانی بعد با هجوم ویرانگر تیمور به اصفهان، یکبار دیگر شهر را به آتش و خون می کشانند ولی زمان آسیب و ویرانی چندان بطول نمی انجامد. فرزندان تیمور با دلجوئی از هنرمندان زمینه های باروری هنری متحول را آماده می سازند که پر بار است و چشمگیر، تا آنکه جهان شاه آق قویونلو با کشتار مردم توقفی در روند پیشرفت هنری زمان بوجود می آورد.

با شروع حکومت صفویه در ایران اصفهان وارد دوران تازه ای از نقطه نظر فرهنگی و هنری می شود. راجع به اوضاع و احوال سیاسی، اقتصادی این دوران سخنی به میان نمی آوریم، چون محققین به نحو شایسته ای این مهم را به انجام رسانده اند، روی سخن ما با مسایل فرهنگی و هنری و تحولات چشمگیر آن در این زمان است که دقیقاً مایه از بینش و تفکر اسلامی محتوای هنر این دوران می گیرد.

اصفهان بدلیل موقعیت ویژه مرکز حکومت می شود، در مدت زمانی نه چندان طولانی اصفهان در جهان آن روز به اعتبار و شهرتی روزافزون می رسد، جهانگردان بسیاری به



تازه می گردد. شهر صفوی از زاینده رود می گذرد، پل های تازه احداث می گردد. محله جلفا محل سکونت آرامنه با کلیساهای معتبر و خانه های زیبا بر پا می شود. و این نخستین بار است که اصفهان با یک طرح شهرسازی جامع و کامل روبرو است، بازار بر پا می شود تا اقتصاد شهر را بچرخاند، اما بازار تنها عامل اقتصادی نیست، بازار عاملی در برپائی مسجد در درون و اطراف خود می شود، بازار بار فرهنگی را سبب می گردد، مدارس در دل بازار بر پا می شود، در مدارس مثل مُلا عبدالله، مدرسه دودن، جده کوچک و بزرگ، کاسه گران و نیم آورد. بازار حتی عامل برپائی زورخانه و ورزشگاه نیز

اصفهان روی می آورند، مشاهدات خود را به رشته تحریر در می کشند که امروز از جمله مدارک ارزنده از آن زمان است، کسانی مثل شاردن، تاورنیه، پترودلاواله، اینگلبرت کمفر و دیگران... همگی براین باورند که اصفهان شهری زیبا، با اقتصادی پررونق و فرهنگی پر بار است.

هم در این زمان است که تلاش بی وقفه و کارساز معماران و مهندسین و شهرسازان در گسترش شهر آغاز می شود، اصفهان با نقشه و طرحی ماهرانه و استادانه روبه رشد می نهد. گذشته از میدان قدیم شهر، میدان نقش جهان و خیابان چهارباغ محور گسترش و برپائی بناهایی

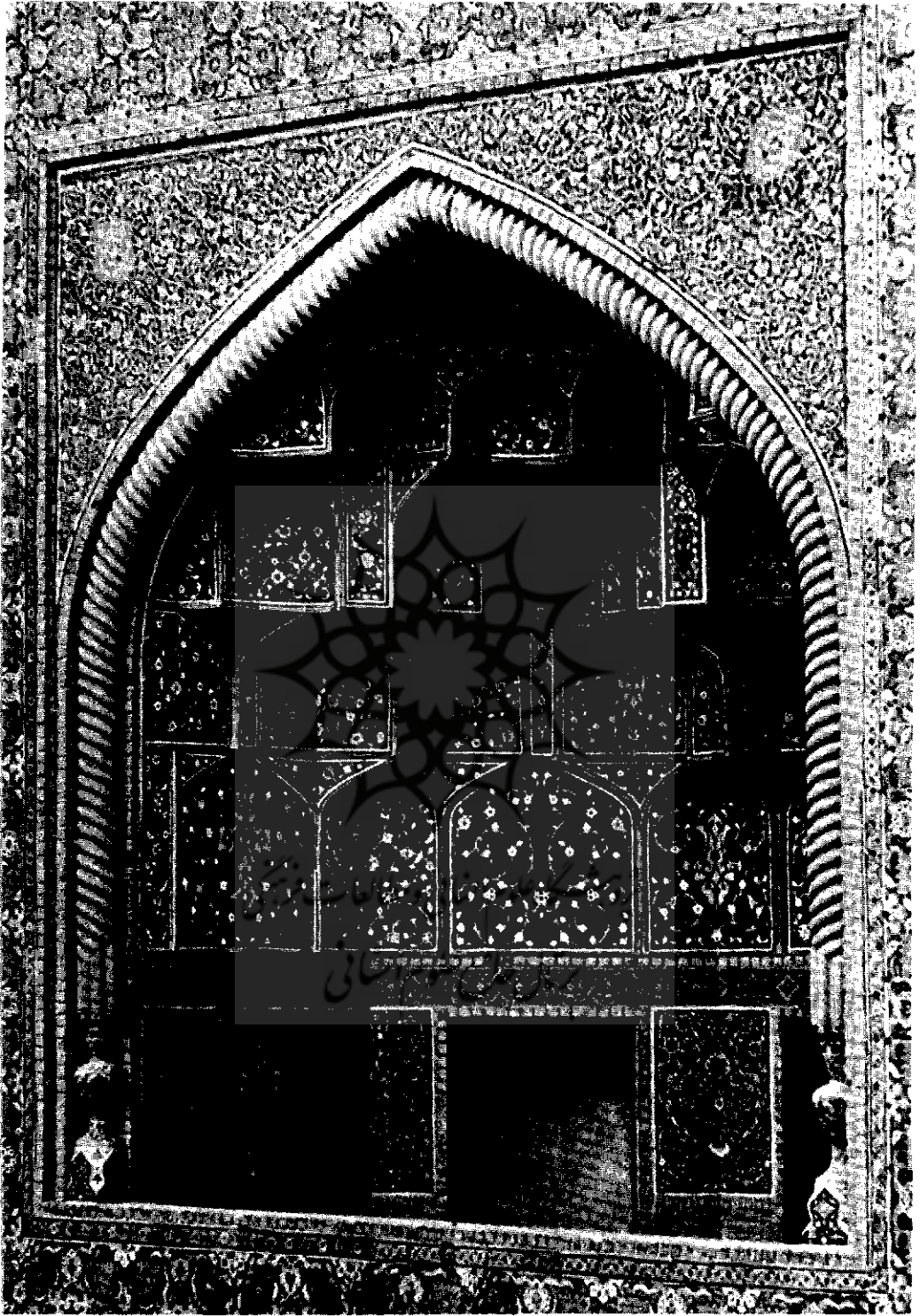
می شود و توسعه صنعت زمان را نیز سبب می گردد: عصارخانه ها، رنگرزی ها، حناسابی ها و بسیاری کارگاههای کوچک و بزرگ، بازار در درون خود کاروانسراها را بر پا می سازد، برای اسکان آنها که از نقاطی دور پا به بازار می گذارند. خلاصه و فشرده بگوئیم، بازار چونان محوری در رشد مسایل اقتصادی، هنری، فرهنگی، صنعتی و حتی توریستی و بهداشتی مطرح می شود، بر پائی حمام های کوچک و بزرگ درون همین بازار است، بازاری که رابط شهر قدیم و جدید است...

سقوط صفویه باز اصفهان را به ویرانی و آسیب می کشاند، اصفهان متروک و بی سکنه می شود، شهری که روزگاری ۶۰۰ هزار نفر جمعیت را در خود جای داده، بیکباره بعد از حمله افغان ها جمعیتش به ۸ هزار نفر تقلیل پیدا می کند، و این سیما تا اوایل دوران قاجاریه همچنان بر شهر حاکم است. جهانگردان وقت گذر از اصفهان، آنرا شهری متروکه و خالی از سکنه و در حال ویرانی توصیف می کنند. مادام دیولافوا، فلاندن و پاسکال کست از بناهای اصفهان در این دوران نقاشی های بسیار کرده اند، بناها در حال ویرانی است. چندی بعد از حکومت قاجارها، زمان فتحعلی شاه، مرحوم صدر وزیر او که دارای دستمایه های فرهنگی است، قصد بازسازی شهر اصفهان را می کند. بازار جان تازه ای می گیرد، مدارس احیا می شوند، مدرسه صدر ساخته شده و به همراهش بنای مسجدی معتبر بنام مسجد سید به اتمام می رسد، معماری خانه های مردمی در بافت شهر

با الگو و مشخصات تزئینی بسیار زیبا روبه توسعه می نهد. هر چند در این زمان تلاش در ایجاد و بر پائی بناهای تازه و تزئینات جدید صورت می گیرد، اما در کل می شود گفت قالب و محتوای کار ادامه همان راه و شیوه هنر و معماری عصر صفوی است و سبک اصفهانی ادامه دارد.

بعد از سقوط قاجارها، در دوران پهلوی، همگام و هم زمان با توسعه صنعتی شدن اروپا، اصفهان کهن نیز از آسیب این صنعتی شدن درامان نمی ماند، با ورود اولین اتوموبیل به شهر، تخریب شهر شروع می شود، با دلیلی در احداث خیابان قسمتی از چهل ستون بریده می شود، خیابان سپه احداث می گردد، و بعد به ترتیب خیابان های دیگر. بافت قدیمی شهر بیکباره برهم می خورد، خانه های قدیمی در محور شهر در زیر ضربات کلنگ نوآوری جا خالی می کنند و ویران می شوند، هم از این زمان است که با هجوم برق آسای فرهنگ معماری غرب، تلاش بر این است که هویت هنری و فرهنگی و اسلامی اصفهان نادیده گرفته شود، سعی بر این است که سلیقه های غیر ایرانی و اسلامی را بر شهر تحمیل کنند، و این دوران را در واقع باید دوران سقوط ارزش های کهن هنری و فرهنگی اصفهان نام نهاد.

○ بی تردید حفظ و حراست و نگاهداشت ارزش های هنری و هویت اسلامی اصفهان مسئولیت خطیر و دشواری است، هرگونه تصمیم و اقدامی در گسترش و نوسازی شهر نیازمند تعمق و پژوهش است، بیم آنکه در صورت بی تفاوتی و



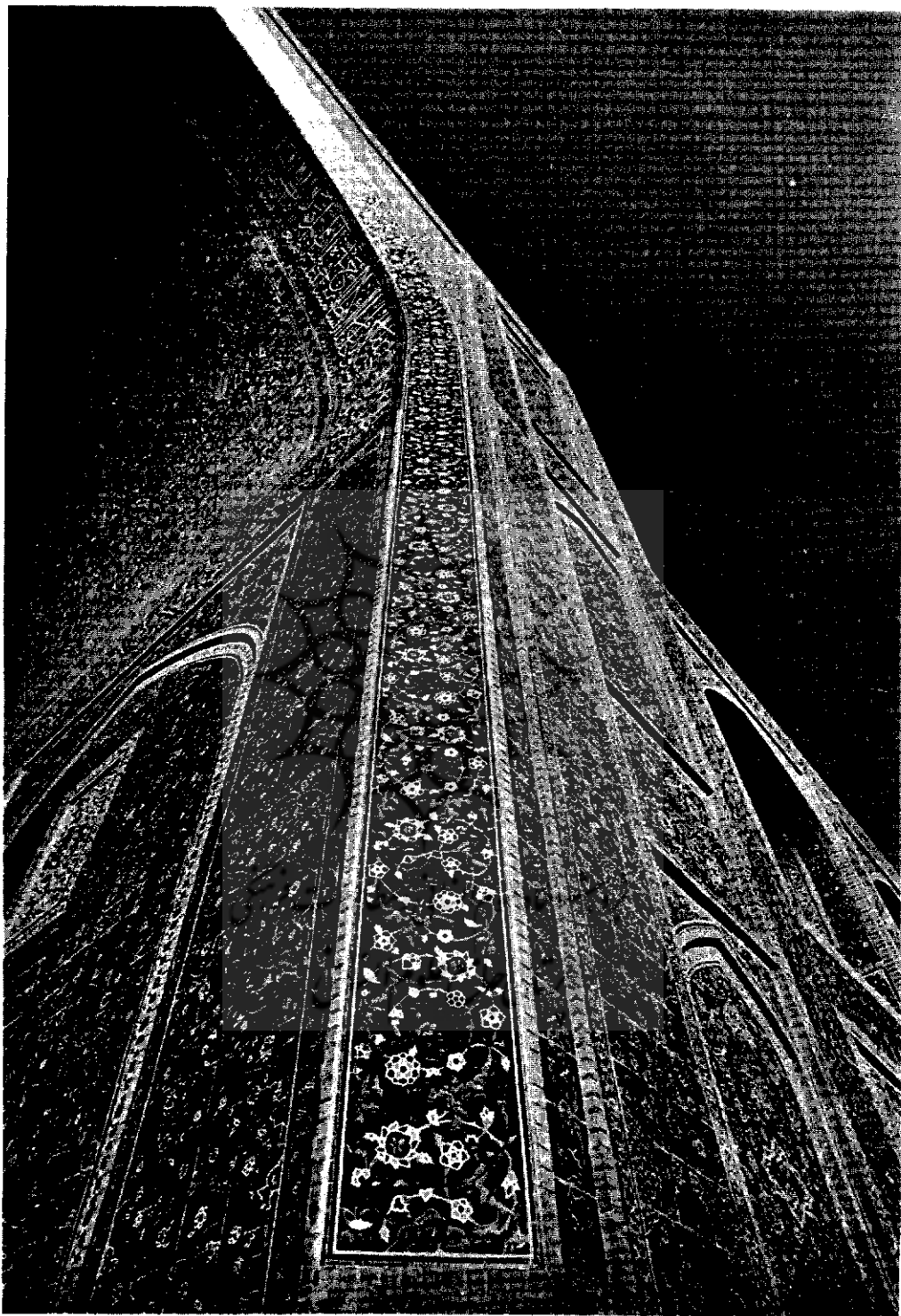
یا نادیده گرفتن پیشینه کهن اصفهان شهر یکباره از عملکرد و شخصیت فرهنگی و هنری اش دور شود بسیار است. در این رابطه چه سُخنی دارید؟

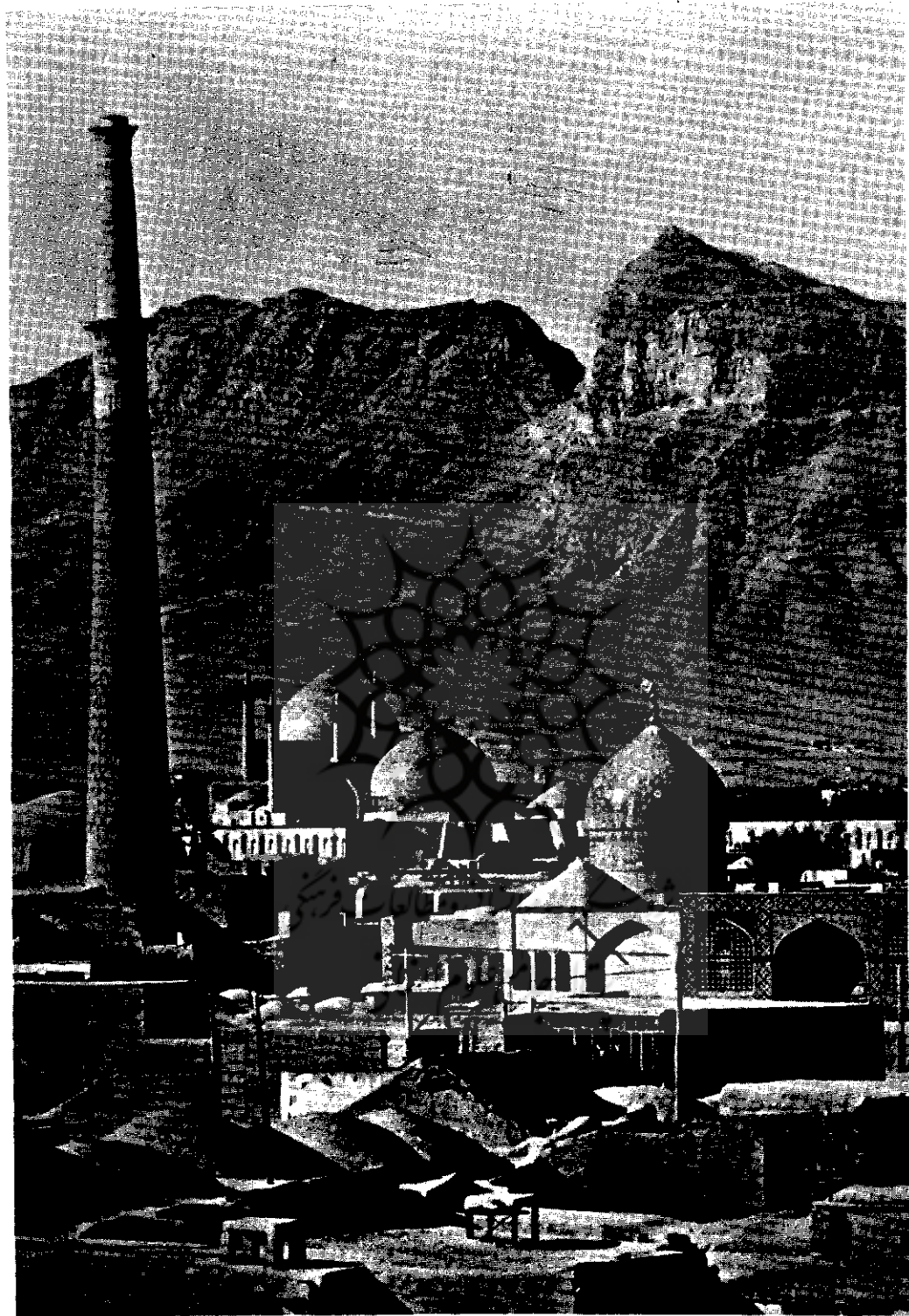
● در مورد نگاهداشت ارزش‌های فرهنگی و هنری شهر اصفهان، خوشبختانه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی امکان طرح حفاظت از ویژگی‌های هنری و فرهنگی اصفهان ایجاد شد، امکان اینکه اصفهان را به عنوان یک شهر تاریخی با ارزش مورد مطالعه قرار داد، نه شهری که در آن بناهای تاریخی صرفاً به عنوان ارزش وجود دارد. این دو دیدگاه با هم تفاوت دارد، قبل از پیروزی انقلاب هدف این بود که با نادیده گرفتن هویت‌های فرهنگی و هنری اصفهان، از شهر تنها عواملی بماند برای جذب توریست و بقیه پایمال مدل‌های غربی شود، نمونه‌اش طرح جامع اصفهان بود. این طرح جامع که صرفاً در جهت گسترش شهر تهیه شده بود، بکلی ابعاد فرهنگی و هنری شهر را نادیده گرفته بود، مساله‌ای به عنوان و نشانه بافت شهری مطرح نبود، خیابان‌های شمالی جنوبی و غربی شرقی برای اصفهان بزرگ روی کاغذ آمد و تعدادی از این خیابان‌ها وقت احداث بافت قدیمی شهر را در هم شکست و نابود کرد. نادیده نپذیرد گرفت که در رابطه با همین طرح، طرح تفصیلی دیگری تهیه شد که تا اندازه‌ای جلو احداث این خیابان‌ها گرفته شود، این طرح چون به مراحل قانونی نرسید و چندان پیاده نشد، آسیب‌هایش تمام و کامل نبود. اما طرح جامع همیشه خطری بود برای اصفهان کهن. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بر بی ارزش بودن طرح جامع تاکید و در این طرح

تجدید نظر شد. با برخوردی آگاهانه و صحیح، همراه با طرح جدیدی که بتواند جوابگوی حفظ بسیاری از ارزش‌های شهر باشد و اینکه بیهوده تنها به ضرورت گسترش شهر، کلنگ نوآوری را بر تن اصفهان کهن وارد نکرد، چرا که تجربه نشان داده است تنها با احداث خیابان دریافت کهن شهر مشکل یا مشکلات شهری حل نمی‌شود، با توجه به این مهم است که متخصصین متعهد و مسئول با دقت و آگاهی و دلسوزی کامل مشغول مطالعه و تحقیق در زمینه‌های گوناگون گسترش شهر اصفهان هستند.

○ یک بنای تاریخی در طول گذشت ایام دچار فرسودگی می‌شود، برای حفظ و حراست آن می‌بایست دائماً به مرمت آن همت کرد، نگذاشت بنا از پا درآید و به ویرانی کشیده شود. اصفهان در دل خود مجموعه‌ای ارزشمند و گاه بی‌همتا از این بناها را نگاه داشته، نحوه فعالیت‌های شما در رابطه با این بناها و حفظ و حراست و مرمت آنها چگونه بوده است؟

● زمانی که سخن از حفظ میراث‌های هنری و فرهنگی و اسلامی به میان می‌آید، باید بی‌تردید تشکیلاتی هم برای حفظ و نگاهداشت داشته باشیم نه مثل گذشته که حتی در دانشکده‌های هنری و معماری مان، تمامی تلاش‌ها بر اساس شناخت ارزش‌های فرهنگ و هنر غربی بود و چیزی که مطرح نمی‌شد، ارزش‌های هنری سرزمین خودمان بود، کسی که شناخته نمی‌شد هنرمند سرزمین ما بود، یعنی که هر چه بوده و هست از فرهنگی غربی است. اما





حالا که به یمن پیروزی انقلاب اسلامی ضرورت حفظ هویت های فرهنگی و هنری پیش آمده باید تشکیلات و دوائر اجرائی در رابطه با این مهم را هم بوجود آوریم. چه در حال حاضر توان ما چندان جوابگوی حل مشکلات نیست، بدلیل مشکلات مالی در جذب استاد کاران قدیمی که هنر و تجربه اشان را نمی شود قدر و قیمتی قائل شد چندان موفق نبوده ایم. اینها اغلب بیکارند و ما بدلیل مرمت بناهای تاریخی نیازمند همکاری آنها. تنها داشتن تخصص و دانستن تئوری نیاز ما را برطرف نمی کند، ما به کار استاد کار طاق زنی نیازمندیم که شگرد و هنر معماران گذشته را دانسته و درک کرده باشد، کاشی سازانی را نیازمندیم که کاشی لعابدار را با جلا و درخششی چونان گذشته بسازند، نه کاشی هائی که چون چند سال بگذرد، بدلیل کار برد رنگ شیمائی، رنگ پریده شود و بی جلا. ما به سایر استاد کاران در رشته های گچبری، نقاشی و حتی نجاری احتیاج داریم که یاری مان دهند.

اما هم اینک با توجه به امکاناتی که پس از پیروزی انقلاب در زمینه مرمت و حفاظت آثار باستانی در اختیار داشته ایم، به گونه ای مختصر تنها فهرست کارهای انجام شده را مطرح می سازیم: ابتدا مرمت مسجد جامع ادامه یافت، با سرعت و کیفیتی به مراتب افزون تر از گذشته، تا آنجا که بعد از یکسال مورد استفاده نمازگزاران قرار گرفت، چرا که بعد از سالها توانستیم با مرمت بنا تا حدودی مسایل ایمنی بنا را تضمین کنیم. تلاش دیگر احیای بازارهای غربی میدان

نقش جهان بوده است، در این رابطه طبقه فوقانی حُجره های اطراف میدان که اغلب در حال فرو پاشی و ویرانی بود تعمیر و مرمت گردید.

بازار مسگرها مرمت و احیا شد، تعداد زیادی از طاق و چشمه های بازار قیصریه مرمت گردید، بازارچه های رنگرزه ها و تُفنگ سازها که بیم ویرانی آنها می رفت تعمیر و بازسازی شد، با کمک استانداری مرمت اداره آمار سابق که با تالار سر پوشیده اش در کنار استانداری فعلی است و حدود نیم قرن پیش برای اداره آمار ساخته شده بود آغاز و تا کنون ادامه دارد.

عمارت توحید خانه که در قسمت غربی زندان شهربانی بود با احداث زندان جدید پاکسازی و گنبد مرکزی آن مرمت گردید که هم اکنون مورد استفاده اداره کل ارشاد اسلامی برای اجرای تاتر است و در آینده قرار است از آن به عنوان دانشکده معماری استفاده شود. مرمت اضطراری بناهای عالی قاپو، هشت بهشت و چهلستون نیز پایان گرفته است.

همچنین در محله جلفا، خانه های قدیمی از جمله داوید سوکیاس و مارتاپیترز مرمت و جهت استفاده دانشگاه پردیس در اختیار این دانشگاه قرار داده شد، مرمت و بازسازی خانه شیخ الاسلام و مجموعه علیقلی آقا به اتمام رسید و در غرب اصفهان مجموعه مربوط به دوران صفوی شامل بازار و مسجد رو به اتمام و پاره ای مثل حمام در دست اقدام است.

در مورد پل های تاریخی، پل شهرستان که قدیمی ترین پل اصفهان است و نیز سنگهای تختانی، کاشی های پشت بغل های پل خواجو که

در اثر عبور و مرور اتوموبیل ها طی سالها خراب شده بود مرمت گردید. مرمت سی و سه پل انجام گرفته و پایه های فرسوده پل چوبی که در حد فاصل سی و سه پل و خواجو قرار دارد مرمت شده است. تنها اشکال در حال حاضر عبور و مرور وسائط نقلیه از روی پل سی و سه پل است که بیم آسیب و ویرانی آن می رود. خوشبختانه با احداث پل فردوسی عبور وسائط نقلیه از پل خواجو ممنوع گردید، اقدامی که بی شک کمک ارزنده ای به حفظ و حراست این پل محسوب می شود.

در گورستان قدیمی تخت فولاد بعضی از تکایا و بقاع که جنبه تاریخ داشت مرمت گردید و گنبد تکیه خاتون آبادی با مرمتی که روی آن انجام گرفت از خطر انهدام و ویرانی آن جلوگیری بعمل آمد.

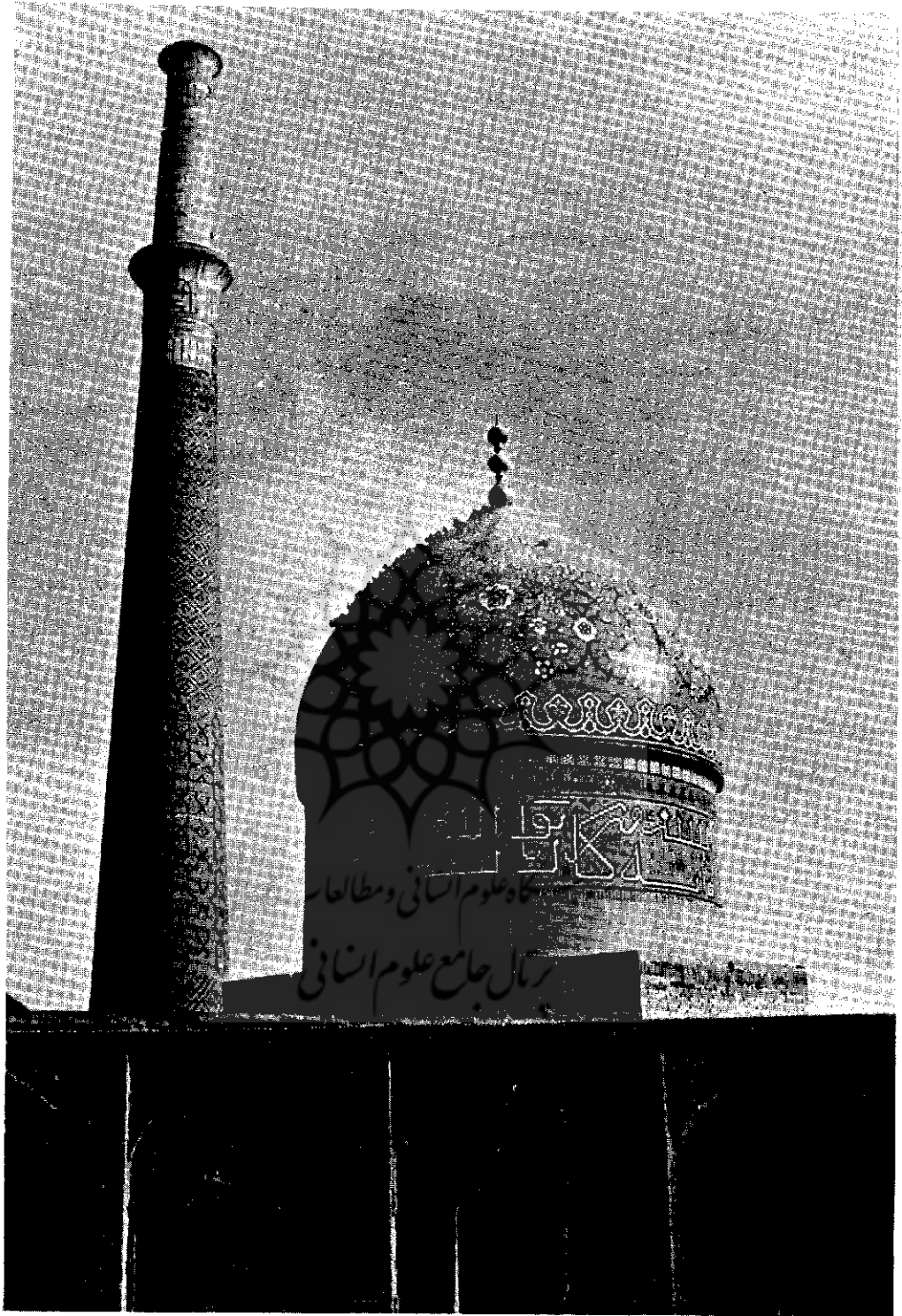
خارج از اصفهان مسجد جامع گلپایگان، برده، مسجد جامع پوده و امامزاده هفده تن در گلپایگان مرمت شد، در نائین نیز مسجد جامع نائین، امامزاده سلطان علی، آب انبار، باب المسجد، و چند حسینیه تعمیر گردیده است. کار مرمت مسجد جامع اردستان، مسجد جامع زواره و مسجد میر و نیز در روستای ایبانه مسجد و زیارتگاه به اتمام رسیده است. کارشناسان دفتر فنی سازمان در مرمت مدرسه فیضیه قم و حرم مطهر حضرت معصومه (س) همکاری داشته اند، چندانکه این همکاری با دفتر فنی کاشان در مورد بنای مشهد اردهاال وجود داشته. در مرمت کاخ گلستان نیز کارشناسان ما شرکت جسته اند.

○ می دانیم که هرگونه آسیب یا دخل و

تصرف و حتی نوشتن شعار بر در و دیوار یک بنای تاریخی کاری خلاف قانون است، چرا که به سادگی این گونه خدشه ها و آسیب ها را نمی توان جبران کرد، اما گاه با مشاهده نوشتن شعاری یا دخل و تصرفاتی مشابه، این توهم و پندار پیش می آید که مسئله حفظ و حراست از این بناها کمی دست کم گرفته شده است، درحالیکه آگاهیم در طی سالهای بعد از انقلاب سازمان حفاظت آثار باستانی با چه دلسوزی و تلاشی به مراتب افزون تر از گذشته کار مرمت و احیای این بناها را دنبال می کند.

● این واقعیتی است که در اوج پیروزی انقلاب اسلامی مردم پیام های انقلاب را بدلیل آگاهی رساندن بر در و دیوارهای شهر نوشتند، امری که در آن شور و هیجان انقلابی غیر قابل کنترل بود. بعد از پیروزی انقلاب هر چند اقداماتی در جلوگیری از نوشتن شعار بویژه بر در و دیوار بناهای تاریخی انجام یافته اما گاه باز متأسفانه شاهد تکرار این گونه نوشتن ها هستیم و یا بی توجهی در کندن نام و نوشتن یادگاری بر سنگ و آجر و کاشی در بناهای تاریخی از سوی افراد نا آگاه، و بی توجهی ها و آسیب های مشابه که دقیقاً ریشه در عدم مراقبت و حفاظت کافی از این بناها دارد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، وزارت فرهنگ و هنر سابق که وظیفه نگاهداری و مرمت بناهای تاریخی را نیز برعهده داشت مُنحل شد و هم اینک سازمانی بامسئولیت حفظ و نگاهداری بناهای تاریخی در وزارت ارشاد اسلامی و نیز سازمانی تحت نام حفاظت آثار باستانی در

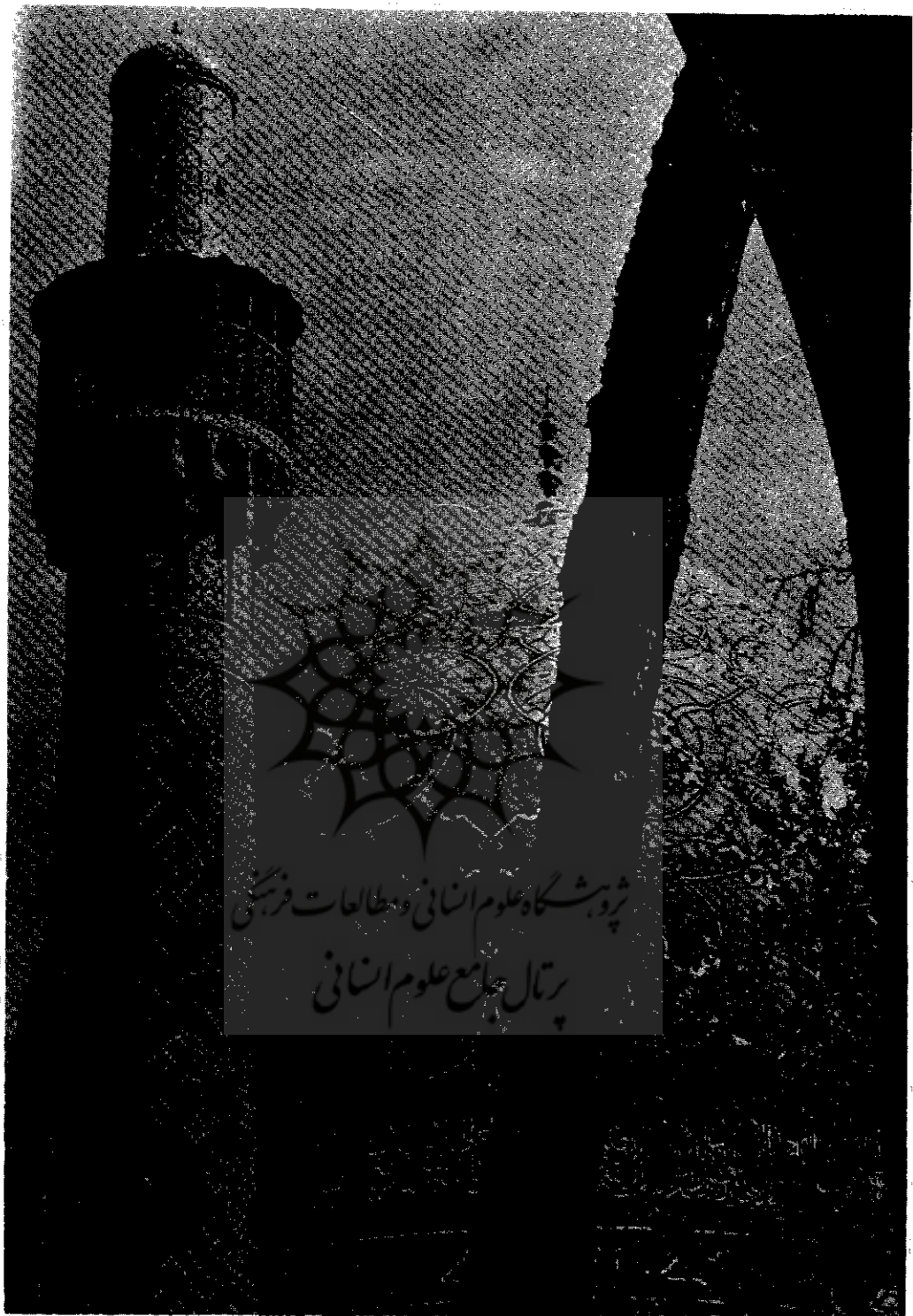


وزارت علوم و آموزش عالی در این رابطه مشغول انجام وظیفه هستند، هر دو با یک مسئولیت واحد، یک هدف، یک خط مشی، اما در دو وزارتخانه و با دو بودجه و جدا از هم! معلوم است که مسئولیت ها و عدم مسئولیت ها با یکدیگر در هم می آمیزد و بسیار مشکلات در کار و انجام وظیفه پیش می آید. گمان این است که نخست باید این مشکل حل و دقیقاً وظایف و مسئولیت ها مشخص شود. مسئولیت اصلی ما در دفتری مرمت و حفاظت بنا است، اما گماردن نگهبان برای بنای تاریخی بر عهده دفتر نیست. تعداد زیادی از نگهبانان بناهای تاریخی یا بازنشسته شده اند یا به کارهای دیگری غیر از نگهبانی بنا گمارده شده اند. لذا یکی از مشکلات عمده نداشتن نگهبان به حد کافی است، به همین دلیل عده ای هم نادانسته بر در و دیوار بنای تاریخی یادگاری می نویسند و حتی برای نصب بلندگو به کاشی های مسجد امام میخ می کوبند. این کاشی ها وقتی آسیب دید مرمت آن مشکل است و خسارات هم بی جبران، باید یک یا چند نگهبان حاضر باشند و شاهد و مانع از این خرابی ها. و از طرف دیگر آگاهی دادن به مردم است در حفظ این یادگارها و حراست از آنها که چه خوب و بد، به هر حال مدارک و شواهد فرهنگی و هنری این سرزمین است، و این آگاهی دادن هم برنامه ریزی می خواهد، از طریق انتشار کتاب، جراید، از طریق رادیو، تلویزیون، از طریق آموزش و پرورش در ارتباط با مدارس و... وقتی روی سنگاب مسجد امام کسی یادگاری با میخ کنده است، این را به

طریقی به این نویسنده که بی تردید ناآگاه است باید بفهمانیم که ما دیگر این سنگاب را براحتی نمی توانیم ترمیم کنیم.

○ چرا به بناهای تاریخی شهر زندگی نمی بخشید، مراکز فرهنگی و هنری را به داخل این بناها نمی برید؟ آیا فکر نمی کنید با باز شدن درهای این بناها، خطر فراموشی و ویرانی و آسیب آنها به مراتب کمتر می شود؟ یک بنا وقتی درهائش بسته شد و غریب افتاد و گاه و بیگاه سری به آن زده شد، خود بخود دچار فروپاشی و ویرانی می شود، هر چند دائماً آنرا مرمت کنند، در این رابطه چه نظری دارید؟

● در اینکه در گذشته بناهای تاریخی یا متروکه بودند یا به صورت شیئی لوکس حفاظت می شدند، حرفی نیست، اما زندگی بخشیدن به یک بنای قدیمی چندان هم آسان نیست و بی شک بستگی به خود بنا هم دارد. مثلاً مسجد جامع را ما به عملکرد اصلی اش که محل نماز و عبادت است بازگرداندیم، مخصوصاً شبهای ماه مبارک رمضان برای احیا که مردم دور هم جمع می شوند، اما با عالی قاپو چه کنیم که بنائی اداری و تشریفاتی در عهد صفوی بوده؟، می بینید این بنا با آن فضا و پله ها، نه امکان اداره شدن دارد، نه تئاتر و نه مرکزی هنری. در مقابل هشت بهشت می تواند محلی باشد برای سرود خوانی، برگزاری شب شعرویا برپائی نمایشگاه. ما چندین بار به وزارت ارشاد اسلامی پیشنهاد کرده ایم روزهایی که در تاریخ انقلاب اسلامی نقاط عطفی هستند در این مکان می توان به همان مناسبت ها، برنامه سخنرانی یا نمایشگاه و



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

سرودخوانی ترتیب داد.

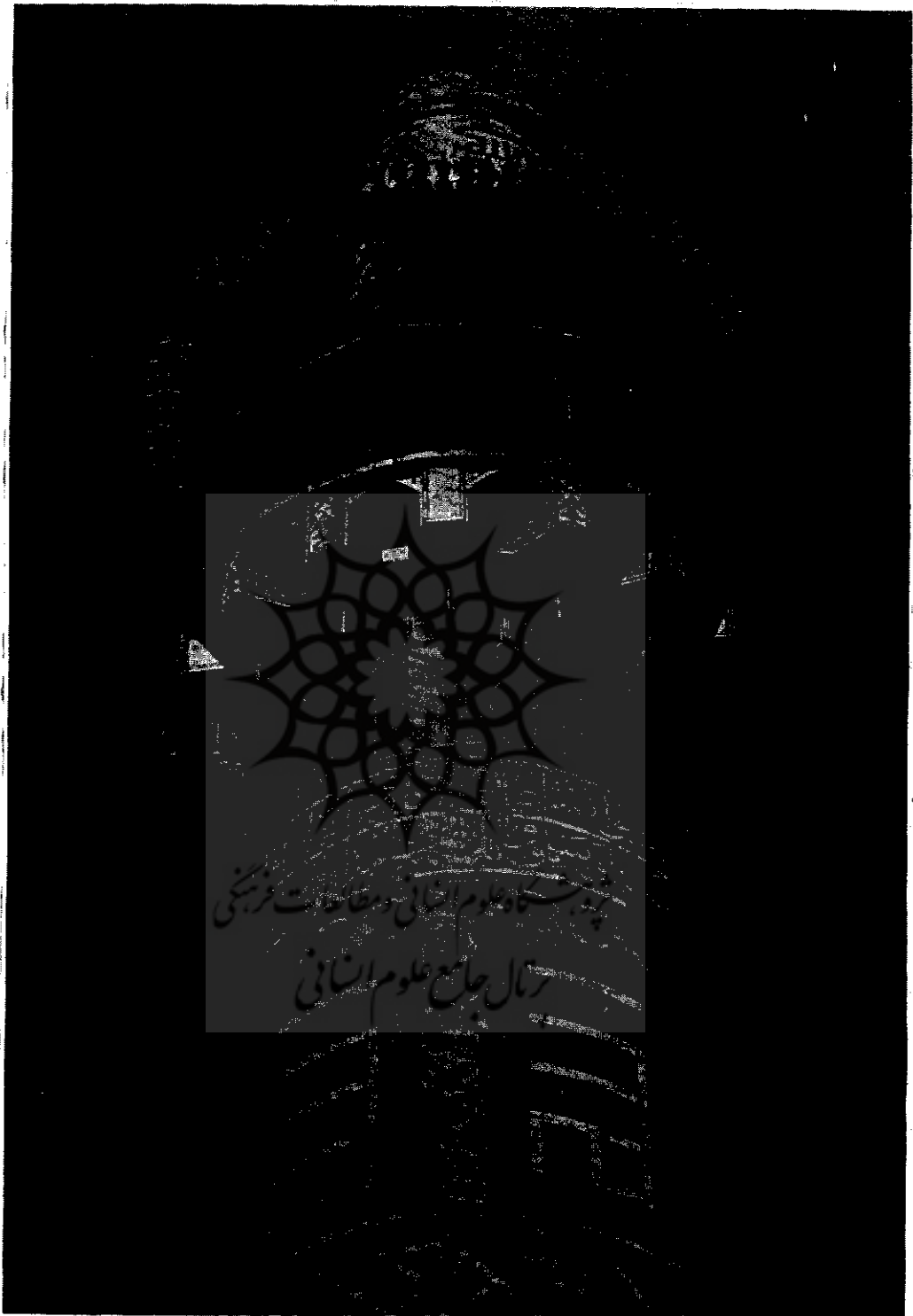
مسجد جامع، دردشت و جویباره می شود دید. محله جویباره منخله بفرین شده ای است که در گذشته دارای اهمیت و اعتبار بوده و حالا متروکه شده، و بازسازی و نگاهداشت این محله هم خیلی همت می خواهد و راجع به سایر اماکن قدیمی شهری هم این نکته را از یاد نبریم که نباید بدلیل حفظ یادگارهای زندگی گذشته، مردم را ناگزیر ساخت که با حداقل امکانات زندگی و شهری و بهداشتی حتماً در بافت کهن شهر بی هیچ خدمات شهری زندگی کنند، همانگونه که بافت شهری را هم نمی شود بی ارزش قلمداد کرد. اما چه باید کرد؟ خیابان احداث کنیم و ارتباط منطقی کوچه ها و خانه ها را برهم زنیم؟ تجربه نشان داده است که احداث یک خیابان تنها خانه های دوسوی خیابان را خدمات شهری می دهد، باز مشکل باقی است. اگر بگوئیم بمانید و زندگی کنید تا این بافت بر هم نخورد که ناعادلانه و غیر منطقی است، و یا اگر ارزش بافت قدیمی شهر را نادیده بگیریم که در آینده ای نه چندان دور از هویت می افتد، پس باید راه حل منطقی داشت، بطور مثال در داخل بافت قدیمی میدان و میدانچه هائی بسازیم، آنهم با تخریب خانه هائی که چندان سر پا نیستند و ارزش تاریخی هم ندارند، بعد در اطراف این میدان ها خدمات شهری همانند، حمام، مدرسه و مغازه را وارد بافت قدیمی شهر کنیم. اما باز هم نباید فراموش کرد که اداره کوچک ما قدرت اجرای این طرح ها را ندارد و اینها وظیفه مسکن و شهرسازی است که بجای اجازه تخریب و برپائی بناهای تازه، طرح هائی از این دست را

○ هنوز هم پس از طی سالها پُل تاریخی و زیبای سی و سه پل زیر بار و سنگینی رفت و آمد وسائط نقلیه شانه خالی نکرده است، چرا و چگونه است که تابحال هیچ اقدامی در منع رفت و آمد اتوموبیل ها انجام نشده، آیا محاسبات شما به این نتیجه رسیده است که پل آسیب پذیر نیست؟ اگر جز این است و خطر شکستن و ویرانی در میان است، پاسخ چیست؟

● راجع به سی و سه پل بارها اعلام خطر کرده ایم که این پل سرانجام کمرش خواهد شکست، امامی دانید مسئولیت بستن پل برعهده ما نیست، اصفهان شورای ترافیک دارد، ما به این شورا پنج سال است پیشنهاد بستن پل سی و سه پل را داده ایم، اما آنها هم مشکلاتی دارند، راهنمایی و رانندگی هم برای رفت و آمد اتوموبیل ها در سطح شهر مشکلاتی دارد. آنها به فکر تنظیم برنامه های خودشان در زمینه ترافیک هستند و ما هم در غم آسیب پل و خرابی آن در آینده ای نه چندان دور، تنها اقدام مثبت فعلاً بستن زنجیر در شب جلو پل و جلوگیری از عبور و مرور وسائط نقلیه سنگین است، اما می دانید که چاره اساسی نیست.

○ این اشتباه است که اصفهان را تنها با چند نمونه بنای تاریخی مشهورش بشناسیم و با آن معیارهای فرهنگی و هنری اش را محک زنیم، اصفهان در دل بافت کهنه و قدیمی اش، بسیار ارزش ها نهفته دارد از بافت قدیمی و کهن اصفهان، از قدیمی ترین بافت اصفهان بگوئید.

● قدیمی ترین بافت کهن شهری را در اطراف



پندرہ سالہ علوم انسانی و معاہدات عربی
رسال جامع علوم انسانی

سَوَاءٌ أُنذِرُكُمْ أَوْ لَا أُنذِرُكُمْ لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا سَوَاءٌ أُنذِرُكُمْ أَوْ لَا أُنذِرُكُمْ لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا
مَنْ يَشَأْ فَلْيَعْبُدْ اللَّهَ مِنْ حَيْثُ شَاءَ وَلَا يُلْحِقِ الْإِسْلَامَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَالْحَقُّ لَا يُعْبَدُ إِلَّا بِالْإِسْلَامِ



دو گنبد تاج الملک و نظام الملک بوده، با تصور اینکه مردم بیشتری را شهید کنند، اما راکت اول در فصل مشترک شبستان جنوب شرقی مسجد پائین آمد و بازار و بخشی از مسجد را ویران کرد، راکت دوم هم بعد از چند ثانیه جهت شمال بازار مجلسی را مورد اصابت قرار داد و تعدادی شهید و یرانی بجای گذاشت.

خوشبختانه بدلیل داشتن نقشه و عکس های مختلف از مسجد و بازار، طرح بازسازی و یرانی چندان ایجاد اشکال نکرده است، ما از قسمت های مختلف طاق های و یران شده عکس داریم، نقشه داریم، طرح بازسازی مسجد و بازار بلافاصله تهیه شد، مقدمات کار بازسازی آماده و به شورای بازسازی مناطق بمباران شده ارائه گردیده و اعتبار آن هم معین شده است.

اما ما بمباران مسجد جامع را بیشتر یک ضایعه معنوی می دانیم تا یک ضایعه مادی. این ضایعه ای معنوی است که بنائی آنهم خانه خدا و محل عبادت که از هفتصد سال پیش بیادگار مانده با جنایت بعثی ها و یران شود.

ناگفته نماند که چون اصفهان و بناهای تاریخی آن در فهرست جهانی بناهای تاریخی در یونسکو قرار دارد، با در جریان قرار دادن مراجع فرهنگی و بین المللی، خوشبختانه تا حدی از سوی آنان اعتراضاتی به این حمله وحشیانه انجام گرفته است.

پیاده کند.

○ دیگر سخن از قدیمی ترین نشانه معماری اسلامی در شهر و به عبارتی دیگر شناسنامه معماری اصفهان یاد کنیم و اینکه اصفهان با نگاهداشت ارزش های معماری اسلامی در ایران تاریخ سیر و تحول معماری را بازگومی کند.

● قدیمی ترین نشانه های معماری در بناهای عمومی و تاریخی شهر اصفهان از قرن دوم هجری است و بیشترین نشانه ها از دوران آل بویه، سلجوقی و ایلخانان و از همه مهم تر و معتبر تر نشانه هایی است آشکار و مشخص. اصفهان نشانه ها و یادگارهای ارزشمند دیگری هم دارد که اغلب ناشناخته است و غبار گرفته و دریافت کهن شهر، که می بایست با پژوهش و بررسی بیشتر درباره اصفهان شناخته و آشکار گردد.

○ در یکی از حمله های هوائی متجاوزان بعثی به شهر اصفهان گذشته از به شهادت رسیدن تعدادی از هموطنان ما و ویرانی خانه و کاشانه مردم، قسمتی از مسجد جامع نیز ویران شد. شما که مسئولیت مرمت و بازسازی مسجد را برعهده دارید میزان خسارت وارد آمده بر مسجد و نیز اقداماتی را که برای بازسازی آن بعمل آمده است بیان بفرمائید.

● مسجد جامع اصفهان شاید بعد از آتش سوزی و حریقی که در دوران سلجوقی بدان وارد آمد، آسینی مثل بمباران وحشیانه و ددمنشانه متجاوزان بعثی بخود ندیده باشد. از ظواهر امر چنین برمی آید که مزدوران عراقی با دوراکتی که در طرفین مسجد جامع انداخته اند، قصدشان ویرانی